

عدالت انتقالی در افغانستان؟



" در یک دولت، یعنی در یک اجتماع، که در آن قوانین وجود دارد، آزادی می تواند در آن موجود باشد، آنچه را که بتوان کرد، که آدم اجازه به آن خواست را، داشته باشد.

(" چالزد مانتیسکو")

عدالت انتقالی بنا بر تعریف واقعی و مکمل آن عبارت از پروسهٔ مجموعی گذار تعویضی انتقال از یک نظام دولتی غیر قانونی توتالتیر به یک نظام دولتی با ثبات متکی بر قانون است، که بعد از احیای یک دولت با ثبات و مستحکم قانونی وظایف تأمین عدالت انتقالی را در کشور انجام میدهند. نظامهای دولتی غیر دموکراتیک در جریان جنگ و حاکمیت خود کامهٔ شان یا بکمک کشورهای بیرونی در عملکرد خویش حقوق و آزادیهای اتباع یک و یا چند کشور را پایمال می کند.

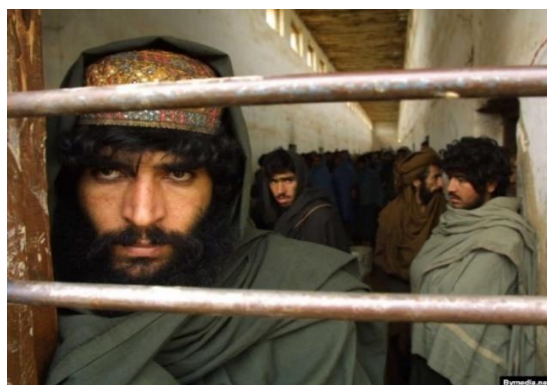
مرتکبین جرایم و جنایات جنگی با اسناد مستند مبنی بر اعمال جرمی سنگین و جنایات ضد بشری در قبال انسانها خاصاً اتباع ملکی کشور که در جنگ دخیل نبوده، مگر از اثرات جنگ و اعمال جنایتکاران عمداً بدون الزام قانونی متضرر گردیده باشند.

اجرا عملیه عدالت انتقالی توسط یک دولت با ثبات، متکی بر قانون لازمی و امکان پذیر است، تا برای عدالت انتقالی در محاکم عادلانه ملی و بین المللی با قضایایی اعمال جنایی و ضد بشری مرتکبین و احیای حقوق متضررین رسیدگی بعمل آورند. خصوصیت عمده عدالت انتقالی برای رفع و عدم تکرار جرایم در آن نهفته است که محاکم بیطرف عادلانه بنابر خواسته ها و تصامیم خصومت گرایی ایدیلوژیک افراد و حلقات سیاسی متقابل در جنگ صورت نمیگیرد، بلکه عملکرد عدالت انتقالی بر اساس درخواست هیأت منصفه برویت اسناد جرم افراد مرتکب جنایات توسط محاکم بیطرف و عادلانه اجرا می شود.

در افغانستان برعکس موضوع عدالت انتقالی در مخالفت کامل از اصول و طرز عملهای عدالت انتقالی توسط مرتکبین جرایم جنگی پیکش و اجراء آن بر اساس خصومت ایدیلوژی و سیاسی در نظر گرفته شده است که چنین عملکرد باعث پراگندگی اجتماعی و مانع ایجاد دولت با ثبات و تأمین عدالت انتقالی گردیده است.

هیچ جای شک هم وجود ندارد که در طی جنگهای رقابتی بین المللی و نیابتی پنج دهه اخیر در افغانستان جنایات جنگی توسط قوای نظامی خارجی (اتحاد جماهیر شوروی، امریکا و ناتو) و عمال داخلی شان در داخل کشور که مستقماً در جنگ از حمایت مالی و نظامی حمایتگران بیرونی در افغانستان برخوردار بوده اند، صورت گرفته است.

رسیدگی به جرایم جنایات جنگی قوای نظامی خارجی و عمال داخلی ایشان در افغانستان تنها و تنها در صورت موجودیت یک دولت مستحکم و با ثبات در افغانستان ممکن است، تا پروسه تأمین عدالت انتقالی و مجازات مجرمین جنایتکار را در محاکم ملی و بین المللی رسیدگی نمایند.



اعمال جنایتکارانه را که در هنگام سقوط حکومت طالبان با اسرای جنگی انجام گردیده اسن در مغایرت کامل با قوانین برخورد با اسرای جنگی بوده است. کشورهای خارجی و عده از سیاسیون داخلی افغان نیدخل مستقیم در جنگ و جنایات جنگی در افغانستان در

کنفرانس بن سال 2001 میلادی در تحت نام عدالت انتقالی مطرح کردند، موانع اساسی را در تأمین عدالت انتقالی و ایجاد دولت با ثبات در افغانستان را بوجود آوردند.

بعد از سال 2001 میلادی اقدامات غیر قانونی دولت در افغانستان جنایات جنگی در کشور ادامه یافته است. پروسه تعویض انتقالی یک دولت غیر قانونی و ایجاد یک نظام با ثبات دولتی قانونی که در عمل در افغانستان بتواند عدالت انتقالی را درست اجرا نمایند، یک جریان حقوقی و قضایی پیچیده بوده، که برای تطبیق آن متخصصین مسلکی جنایی و مراجع حقوقی یک حکومت ملی که بر اساس منافع ملی عمل نمایند ضروری می باشد.

بعد از کنفرانس بن 2001 میلادی تأسیس اداره انتقالی و بعقیب آن تأسیس حکومت، پارلمان، و قوه قضائیه در افغانستان ترکیب از جنایتکاران جنگی را بوجود آوردند.

پارلمان افغانستان دوره اول بعد از تأسیس دولت جدید بن که برهبری یونس قانونی بوجود آمده بود، برخلاف قوانین نافذه کشور برای خود فرامین عفو را صادر نمودند.

در قدم نخست گذار قدرت سیاسی دولتی که بتوانند یک دولت با ثبات را بوجود آورد توسط طرفین جنگ ناممکن است. یک نظام دولتی مستحکم بر اساس رعایت قانون اساسی پایه گذاری می شود. عدالت انتقالی بدون موجودیت یک دولت با ثبات و نظام حقوقی مستحکم و قوی بیطرفانه در عمل پیاده شده نمی توانند،

عدالت انتقالی شامل اقدامات قضایی و غیر قضایی است که به منظور جبران اعمال بشر یک رژیم پس از فروپاشی آن انجام می شود. این اقدامات ناقض حقوق ، برنامه های جبران خسارت و انواع ، کمیسیون های حقیقت "شامل پیگردهای کیفری" اصلاحات در عملکرد نهادهایی است که نواقص ساختاری موجود در آنها باعث ایجاد عدالت انتقالی در نقطه ای از انتقال سیاسی از فرصت برای نقض حقوق بشر شده است خشونت و سرکوب به ثبات اجتماعی (یا در بعضی اوقات سالها بعد) مورد استفاده واقع می شود و برآمده از تمایل جامعه به بازسازی اعتماد اجتماعی ، ترمیم سیستم ناکارآمد قضایی و سیاسی و ساختن یک نظام دموکراتیک است. ارزش اصلی عدالت انتقالی، در تطبیق عدالت است، که لزوماً به معنای عدالت کیفری نیست. این مفهوم در کنار دگرگونی سیاسی تغییر رژیم و گذار بدون خشونت، به آینده ای صلح آمیز ، با ثبات و دموکراتیک و بدون باز تولید استبداد گره خورده است.

("هیلموت شمیدت") صدراعظم و سیاستمدار مشهور آلمان میگوید که:

" دولت حقوق خود پیروزی ندارد ، او هم چنان باختن ندارد، او باید موجود باشد "

در حالیکه جنگ و خونریزی در افغانستان بشدت آن ادامه دارد، قوای امریکا و ناتو در حالت خروج از افغانستان هستند، طالبان بیش از 70% محلات کشور را در تصرف خویش دارند، ولسوالیها در ولایات کشور یکی در پی دیگری بدستان طالبان سقوط می کند.



در چنین اوضاع و احوال بلندکردن سر و صداهاى نمایشى عدالت انتقالى حکومت افغانستان و عده سیاسيون افغان که خود شان در نقض حقوق بشر در کشور نقش اساسى داشته اند اقدام مضحک بوده، که برخى مثالهاى ذیل آنرا مشت خود خروار تذکر میدهم.

*- وساطتهای پس پرده توسط حامد کرزی، رسول سیاف معاهدات مخفی رئیس جمهور اشرف غنی با عبدالله عبدالله، گلبدین حکمتیار، و غیره جنایتکاران که جنگی و ویرانی افغانستان مستقیماً دخیل بوده برخلاف منافع ملی و تناقض صریح از مفردات قانون اساسی افغانستان است.

*- ترکیب جنایتکاران جنگی در هیات مذاکره کننده حکومت با طالبان، اعضای شورای "مصالحه" و شورای مشورتی دولتی صلح خود یکی از موانع اساسی در برابر تأمین صلح در افغانستان است.

*- انتقال تعداد اوراق جرمی در این اواخر توسط وزیر امور خارجه حنیف اتمر و وزیر عدلیه فضل احمد معنوی افغانستان به محکمه بین المللی "هاک" اقدام مسخره است.

*- ارتقا عبدالرشید دوستم به رتبه مارشالی خود یکی از جنایتکاران جنگی مستند بفرمان رئیس جمهور اشرف غنی، تخلف صریح از عدالت انتقالی در کشور محسوب میگردد.